

بازخوانش شیوه‌ی راوی‌شناسی و نظام‌باوری ابن‌غضائری در دیدگاه‌اندیشه‌وران*

□ قاسم محسنی‌مری^۱

چکیده

ابن‌غضائری از راوی‌شناسان برجسته‌ی حدیثی در عصر متقدمان است که با بهره‌گیری از دانش حدیثی و رجالی ویژه‌ی زمانه‌ی خویش به بازخوانی احوال روایان حدیثی پرداخته است. حوزه‌ی مطالعات رجالی‌شناسی وی بازنمایی از شخصیت علمی، الگوی فکری و شیوه‌ی دستیابی او به منابع رجالی می‌باشد. رهیافت نقادانه وی در این دانش، در اثر رجالی‌تاریخی او (نه عینی) قابل‌بازنمایی و داوری می‌باشد. اما کمی منابع روایی تاریخی درباره‌ی هویت فردی و اجتماعی ابن‌غضائری بستری برای گمانه‌های متفاوت معرفتی در حوزه‌ی شخصیت تاریخی، باوری و دانشی وی در میان دانشوران پیشینی و پسینی رجالی و غیر آن شده است. در این جستار با بهره‌گیری از روایت رجالیان هم‌زمان ابن‌غضائری و راوی‌شناسان پس از وی، تلاش شد با شیوه‌ی تحلیلی، شخصیت علمی و مذهبی، روش راوی‌شناسی ابن‌غضائری را بازخوانش نماید و در ادامه کوشیده شد تا داوری‌های متفاوت درباره‌ی شخصیت علمی و اثر راوی‌شناسی وی از سوی دانشوران رجالی پیشینی و پسینی را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: ابن‌غضائری، الضعفاء، جرح و تعدیل، رجالی‌شناسی، غلو

مقدمه

علم رجال به‌عنوان دانش انسانی فرآورده‌ای از اندیشه بشری در بافتار^۱ تاریخی است و همانند دیگر معرفت‌ها، دارای نشانه‌هایی از تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانه خود است. دانشیان راوی شناس، کارکرد این دانش را در شناخت احوال و ویژگی‌های فردی راویان برای ارزش‌گذاری و اعتبار روایات منقول آنان دانسته‌اند؛ زیرا اطمینان به صدور حدیث معصومان علیهم‌السلام در پیوند با وثاقت و احوال راوی است که وظیفه انتقال سخنان معصومان علیهم‌السلام را دارد. بنابراین مؤلفه‌های صداقت و ضابط بودن راوی از عمده‌ترین ملاک‌ها در بازشناسی احادیث صحیح است. در ادامه باید افزود که مفاهیم در گذر زمان در معرض برداشت‌های متفاوتی قرار دارند، بر این اساس مفاهیم و تعابیر رجالی در فرایند دچار دگرگونی شده و باعث شد داوری‌های رجالی از سوی رجال شناسان متقدم/پیشینی و متأخر/پسینی در توثیق و تضعیف برخی راویان همسان نباشد. این غضائری از راوی شناسان متقدم است که با شیوه ویژه، شخصیت علمی و کنش‌های اخلاقی و دینی راویان را بررسی کرده و روایت راویان را با ملاک‌ها و تعابیر زبانی متعارف عصر خود ارزیابی نموده و آنان را تضعیف نمود؛ که به باور برخی از دانشوران پسینی اندک راوی از جرح وی در امان مانده است (بهبهانی، ۱۴۲۲: ۱/۱۲۹، ۳۳۲). با پذیرش این پیش دانسته‌ها همانند نزدیکی زمانی به دوره معصومان علیهم‌السلام، زیست در دوران اجتهاد، آشنایی از اوضاع، بافت گفتمانی و فضای فرهنگی عصر خود، آگاهی از جریان شناسی غلو و دقت در دانش راوی شناسی، نگرش علمی را برای او ایجاد نمود که به گونه‌ای دقیق با راویان حدیثی روبه‌رو شود و به داوری احوال آنان پردازد. نقد تاریخی شخصیت علمی، اخلاق و دینی این غضائری همبسته به بازخوانش روایت تاریخی می‌باشد. این روایت‌ها نیز برآمده از افق فهم رجالی همزمان^۲

1. context

۲. مطالعه هم‌زمانی نوعی از مطالعه معنا است که در مقطع زمان خاص بدون لحاظ گذشته آن صورت می‌گیرد (صفوی، ۱۳۷۹: ص ۱۹۶-۱۹۷)، که در این پژوهش به رهیافت دانشوران رجالی دوره این غضائری نسبت به وی، هم‌زمانی و به روای شناسان پس از دوره وی تا زمانه معاصر، در زمانی گفته شد.

و در زمان وی می‌باشد که هرکدام از ساحات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمانه خویش بهره‌مند بوده که به نوعی در بازخوانی هویت وی تأثیرگذار بوده است. در ادامه باید گفت که ابن غضائری با آگاهی از روند نگارش کتاب الضعفاء در میان اهل سنت و روش آنان در جرح و تعدیل راویان، اقدام به نوشتار کتاب الضعفاء با سبک شیعی نموده است. هرچند این کتاب از وجود تاریخی برخوردار است، به دلیل در دسترس نبودن عینی آن، داوری درباره‌ی آن آسان نیست. عواملی همانند کمی منابع معرفتی و ابهام‌گویی روایت‌های هم‌زمانی از ابن غضائری، باعث شد تا رویارویی دانشیان رجالی متأخر نسبت به شخصیت علمی، اخلاقی و آثار وی متفاوت باشد. در این راستا می‌توان پرسش اصلی را در چارچوب زیرصورت‌بندی کرد:

الف. شیوه‌ی زندگی، باور و دانش ابن غضائری در روایت متون روایی هم‌زمان با او چگونه است؟

ب. رویارویی متقدمان/پیشینیان و متأخران/پسینیان با شخصیت علمی، باوری و داوری او درباره‌ی راویان در کتاب الضعفاء چگونه است؟

پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روایت‌های هم‌زمان و در زمان و با شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی به بازخوانی منش ابن غضائری و شیوه‌ی راوی‌شناسی و نظام باوری وی پرداخته و تلاش شده بنابر روایت پیشینیان هم‌زمان وی و گفته‌های دانشیان رجالی پسینی، شخصیت علمی و شیوه‌ی راوی‌شناسی وی مورد بازخوانش تحلیلی قرار دهد.

۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

محدودیت داده‌های روایی و تاریخی در مورد زندگی و دانش رجالی ابن غضائری، زمینه ساز گمانه‌های متعدد درباره‌ی او شده است. برخی از رجال‌شناسان پس از وی،

۱. باور، حالات ذهنی است که نگرش و زمینه عمل و رفتار آدمی را فراهم می‌کند (صبحی و همتی مقدم، ۱۳۹۱: ۵۹؛ چیگنل، ۱۳۹۵: ۳۶)، تکون باورها در ذهن آدمی، ممکن است به شکل پایه و براساس اولیات بدون نیاز به اکتساب نظری در ذهن ایجاد شود یا به واسطه‌ی نظام آموزشی و به‌عنوان باورهای عمومی بر اثر تبلیغ و تکرار، تلقین، عشق، نفرت و منفعت در ذهن آدمی نهادینه شوند. (هیوم، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

نام «ابن غضائری» را میان پدر و فرزند مورد تردید قرار دادند؛ بدین ترتیب پژوهش‌ها درباره دانش و اثر رجالی وی میان راوی شناسان ادامه دارد. در این جهت مقاله «جایگاه علمی رجال ابن غضائری نزد علمای رجال از قرن پنجم هجری تا کنون» از آرام (۱۳۹۷: ۲۷-۵۰)، است که به بررسی کتاب «الضعفاء» ابن غضائری از جهت صحت انتساب، تأثیرگذاری آن و تفاوت دیدگاه‌های حدیثی و فقهی او پرداخته است. نوشته «جستاری در باب نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری» از جلالی (۱۳۸۴: ۱۱-۴۴)، که آراء مخالفین درباره انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری را نقد نموده و دیدگاه وی را در توثیق و جرح راویان بیان کرده، قابل توجه است. نوشتار «جستاری در رویکرد ابن غضائری به توثیق رجال همراه با واکاوی مفهوم غلو در اندیشه رجالی او»، از ایزدی (۱۳۹۷: ۲۰۷-۲۲۶)، به دیدگاه ابن غضائری درباره مفهوم غلو پرداخته. در ادامه جستار «انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری: آسیب شناسی تحلیل‌ها» از عمید رضا اکبری (۱۳۹۸: ۱۸۳-۲۱۲)، به سیر تحول دیدگاه درباره کتاب الضعفاء و آسیب شناسی آن پرداخته و نظرات مخالفین انتساب را فاقد مستندات کافی و سنجه‌های آنان را در نادیده انگاری اعتبار کتب و شرایط عمومی نسخه‌ها دانسته شد. با توجه به نوشتار متعدد، پژوهش حاضر افزون بر بهره‌مندی از همه پژوهش‌های یادگشته به بررسی رهیافت‌های دانشوران پیشینی و پسینی درباره شخصیت علمی، اخلاقی، دینی و روشی ابن غضائری پرداخته است و اختلاف بصیرت‌ها و داوری‌های متفاوت دانشیان رجالی نسبت به او را ناشی از افقهای متفاوت ذهن‌های آنان دانسته است.

۲- زندگی ابن غضائری

نکته آغازین قابل توجه درباره هویت تاریخی ابن غضائری کمبود منابع شناختی است. در این راستا چندان آگاهی از زمان، چرایی مرگ و آثار وی در دست نیست. اما با اندک یادکرد وی در منابع متقدمین می‌توان شناختی را به دست داد. احمد بن حسین بن عبیدالله بن ابراهیم بن عبدالله غضائری/ عطاردی (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۶: ۵۳۳/۲)، شمارگان (۲۷۵۷)، شهره به ابن غضائری و با عنوان ابوالحسن یا

ابوالحسین، از شخصیت‌های راوی‌شناس و حدیث‌دان شیعی در قرن چهارم و پنجم هجری است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱). زندگی، نحوه‌ی زیست، بالندگی فرهنگی و اجتماعی وی به دلیل نبود داده‌ها و روایت‌های تاریخی روشن نیست.^۱ راوی‌شناسان نام پدر وی را حسین بن عبیدالله بن ابراهیم، با عناوین ابوعبدالله (عسقلانی، ۱۴۱۶: ۵۴۹/۲، شمارگان ۲۷۷۷) اسدی، واسطی بغدادی، درگذشت به سال ۴۱۱ هجری یاد کردند. حسین بن عبیدالله از بزرگان شیعه قلمداد گشته و برخی از دانشوران رجالی و دینی بسان شیخ طوسی و نجاشی از دانش روایت‌شناسی و رجال وی بهره بردند^۲ (نجاشی، ۱۴۰۷: ۸۳، ۲۱۹، ۲۸۵؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۵: ۲۸۹/۴؛ اعلمی، ۱۴۱۳: ۳۵۴/۱). نسبتش به غضائربن سماک یا به الغضائر است (زبیدی، ۲۰۱۰م: ۲۴۴/۱۳)، رجالیان، استادان وی را افزون بر پدرش که از سرآمدان محدث بغداد بوده، احمد بن عبدون و ابوالحسین محمد بن عثمان نصیبی را یاد کردند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۸۳، ۲۱۹، ۲۵۸)، شاگردی از وی شناخته نشد و تنها نجاشی از دیدگاه رجالی وی بهره برده و گفته‌های راوی‌شناسی وی را شایسته توجه می‌دانست (انصاری، ۱۳۷۰: ۳۶۱). شیخ طوسی وی را با عبارات کثیرالسمع و عارف به رجال ستوده و در مواردی با درخواست رحمت الهی برای وی، از او به بزرگی یاد کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۴۱، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۴۲۵).

در رهیافت برخی از معاصران، ابن غضائری مردی دقیق، نقاد و دانشوری هوشمند (شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۵/۱ و ۶۷)، و از مشایخ ثقه نجاشی بوده (شوشتری، ۱۳۹۰: ۱۵۲؛ خوبی، ۱۴۱۳: ۱۰۵)، که از شیوه‌ی راوی‌شناسی پدرش بهره جسته و از ناموران رجالی امامیه به

۱. با مطالعه رجال نجاشی و سخن کوتاه شیخ طوسی در مقدمه فهرست می‌توان اطلاعات محدود درباره‌ی او به دست آورد. نجاشی در ترجمه‌ی علی بن محمد بن شیران ابلی می‌گوید ما همراه با او نزد احمدبن حسین گرد هم می‌آمدیم. این سخن گویای آن است که احمدبن حسین برای نجاشی مقام استادی داشته است و شاگردان او، برای کسب علم به سوی او می‌شتافتند. نجاشی در فهرست خود بیست و یک مورد از او نقل قول کرده است که نشانگر اثرپذیری از وی و این گمانه که نجاشی دست‌نوشته‌های رجالی و کتاب‌شناسی ابن غضائری را در اختیار داشته است. (بهبودی، ۱۳۶۲: ۶۱)

۲. نجاشی در شرح احوال احمد بن حسین صیقل می‌نویسد: وی دارای آثاری است که تنها نوادر آن مشهور است که من و احمدبن حسین بر پدر وی قرائت کردیم. (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ذیل شماره ۲۰۰) چنین روایت‌گری در بررسی رجالی علی بن حسن بن فضال (شماره ۵۷۲) و عبدالله بن ابی عبدالله محمد بن خالد بن عمر طیالسی (شماره ۷۰۵) آمده است.

شمار رفته است (شوشتری، ۱۴۱۰: ۴۴۳/۱)، با پذیرش این نگره، می‌توان گفت روش وی در جرح و تعدیل راویان همانند شیو، پدرش می‌باشد (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۴۳ و ۱۲۵؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۹).

با توجه به عبارت «اخترم هو و عمد بعض ورثه الی اهلاک هذین الکتابین و غیرهما من الکتب علی ما حکمی بعضهم عنه» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲/۱)، با در نظر گرفتن واژه «اخترم» که در این روایت به معنای «هلاک شد» می‌باشد، می‌توان گمانه زنی نمود که مرگ وی غیر طبیعی بوده که بازماندگانش اقدام به نابودی آثار وی کردند. گرچه شیخ طوسی دلیل نابودی آثارش توسط وارثان وی را بیان نداشته است. البته با سکوتی که وجود دارد مشخص نگشته که شیخ طوسی و نجاشی به این آثار او دسترسی داشته‌اند.

۳- نظام باوری دینی ابن غضائری

چنانچه آمد اطلاع دقیقی از شیوه زیست فردی و اجتماعی ابن غضائری در میان نیست که بتوان دریافت دقیقی از نظام باوری وی به دست داد. اما برخی از راوی شناسان معاصر براساس اندک روایت پیشینیان از وی^۱، با معیارهای راوی شناسی او و گفته‌های دانشوران پسینی، قواعدی را استخراج کردند و به گمانه زنی نظام باوری و ایمانیش پرداختند. در این پنداره ابن غضائری متن روایی راویان را با مقیاس باور ایمانی خود بررسی نموده و اگر باور راویان را با روایت‌گری خود- قاعده علمای ابرار^۲- (کدیور، ۱۳۸۵: تمام مقاله)، که خوانش بشری از ائمه علیهم‌السلام می‌باشد در تعارض دیده، ارتفاع در حق ائمه یا غلو دانسته و راوی آن را به دروغ پردازی و جعل حدیث، تضعیف نمود. (سبحانی، ۱۴۲۱: ۹۰؛ کلباسی، ۱۳۳۲ش: ۱۹/۱)، گرچه در دیدگاه دانشوران پسینی، تضعیف

۱. نجاشی در اثر خود ۳۲ راوی را به سبب اندیشه غلوآمیز تضعیف نمود که در برخی موارد با تعبیر «قیل» از درجه اساتید خویش و یا قمی‌ها و یا برخی اصحاب بیان نمود (دیار بیگدلی، ۱۳۸۴: ص ۵۲-۵۵).
 ۲. ابن غضائری، ابن جنید، مشایخ قم بسان احمد بن محمد بن عیسی اشعری و ابن قبه از باورمندان به تئوری علمای ابرار (باور به شأن بشری داشتن ائمه علیهم‌السلام در ساحات علم و عصمت) بودند. (کدیور، ۱۳۸۵: تمام مقاله).

راویان در شیوه داورى ابن غضائرى براساس ضعف و فساد مذهب و باور راویان، یا به سبب ضعف در نقل احادیث و سایر مؤلفه‌های راوی شناسی بوده است. هرچند در معیار راوی شناسان، مؤلفه‌های ضعف راوی، روایت راویان ضعیف، اعتماد به مراسیل یا به سبب وضع حدیث یا عدم دقت و ضبط راوی و یا آمیختگی حدیث صحیح با غیر آن و فساد عقیدتی راویان گوناگون گزارش شده است (دیاری بیگدلی، ۱۳۸۴: ۵۱). در این ایده معیار سنجه راوی شناسی ابن غضائری با مؤلفه‌های گوناگون بازشناسی می‌شود.

تیین اتهام راویان به غلو از جانب ابن غضائری، نیاز به بازشناسی مفهوم غلو در میان پیشینیان هم‌زمان او و رهیافت مکاتب حدیثی شیعه به آن است. به نظر می‌رسد مفهوم غلو در اندیشه پیشینیان/متقدمان امامیه ناهمسان باشد. قمی‌ها و ابن غضائری جایگاه ویژه و مرتبه معنوی معینی از عصمت و کمال برحسب رأی و باور خود برای ائمه علیهم‌السلام قائل بودند، و فراتر از این نظام باوری را غلو می‌شمردند. در این گفتمان کسانی که سهو^۱ امامان علیهم‌السلام را رد می‌نمودند و یا معجزات و کرامات ویژه برای امامان علیهم‌السلام باور داشتند به غالی‌گری متهم می‌شدند (سبحانی، ۱۴۲۱: ۴۲۹-۴۳۴). در نگاه برخی، اندیشه غلو به درستی شناخته شده نیست و ریشه این مفهوم را در میان پیشینیان، از باطنیه گرایان گمانه زنی کردند و گفتند اینان امور مناسک و شعائر مذهبی را به ظاهر و باطن تقسیم کرده و با ترک ظواهر واجبات و انجام محرمات به اباحه‌گری مبتلا شدند. در باور باطنیان دانستن معنای امور عبادی، پرستش و دوستی امام، و جوب عبادت را ساقط می‌کند (مشکور، ۱۳۷۲: ۹۴-۹۶؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۶۶-۶۷). در گمانه برخی، پیشینیان مفهوم غلو را درباره فضایل به کار نمی‌بردند تا گفته شود قمی‌ها برای ائمه فضایل ویژه‌ای قائل بودند. این پنداره به دلیل وجود زیارت جامعه که درباره صفات و کمال ائمه علیهم‌السلام آمده توسط قمی‌ها روایت شده و شیخ صدوق آن را روایت نموده، نادرست می‌نماید (دیاری بیگدلی، ۱۳۸۴: ۵۷ به نقل از غفاری، صدوق، ۱۳۹۲ش: ۳۷۰/۲). در دیدگاهی، الگوی ابن غضائری برای غالی دانستن راویان مشخص نیست، زیرا نظام باوری و معرفتی وی در

۱. ان الغلاة والموضئة لعنهم الله ينكرون سهو النبي ﷺ... وكان شيخنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رحمه الله يقول: اول درجه في الغلو، نفى السهو عن النبي ﷺ... (شيخ صدوق، ۱۳۹۲ش: ۲۳۴/۱، ذیل حدیث ۴۸)

چیستی جایگاه ائمه علیهم‌السلام موجود نمی‌باشد (صفری فروشانی، ۱۳۷۵: ۱۷۴-۱۷۵). در این صورت نسبت دادن ایده مفهومی ویژه از انگاره غالی به وی، گفتاری بی‌دلیل خواهد بود.

روند آشکار سازی مفهوم غالی در نزد پیشینیان با خوانش پسینیان بعد از دوره صفوی در آثار وحید بهبهانی (د ۱۲۰۵ ق) (خواجوی، ۱۳۷۲: ۲۷۶). و علامه مامقانی (د ۱۳۵۱ق)، دنبال گشت و تلاش شد معنای غالی در کتاب راوی شناسان هم‌زمان ابن غضائری بازنمایی گردد. در این دیدگاه، نگرش ویژه به جایگاه امامت (نفی جایگاه فرابشری، رفعت و جلال آنان و باور به مرتبه معینی از کمال برای معصومان علیهم‌السلام)، عامل تعیین کننده معنای غلو گردید (مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۹۷/۲). غلو در این انگاره در معنای دست درازی و تجاوز از حدود است که غلوکنندگان (همانند فرقه بزیعیه، شأن پیامبری و نصیری به جایگاه الهی برای امامان قائل بودند) درباره جایگاه اهل بیت داشتند (همان، ۱۴۱۱: ۳۹۶-۳۹۷). آنان در نمونه تاریخی، از محمد بن ارومه یاد کرده‌اند که در میان قمی‌ها به غلو متهم بوده و اشعری‌های قمی تصمیم به قتل وی گرفتند ولی با زیر نظر گرفتن و دیدن اعمال عبادی همانند شیوه نماز خواندن وی از این تصمیم برگشتند (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۲۹).

همه خوانش‌های بیان شده از سوی پژوهشگران متأخر، نشان دهنده شیوه نگرش آنان به ابن غضائری درباره چگونگی به‌کارگیری واژه غلو از سوی وی درباره داوری و تضعیف خوانی راویان است. با این توضیح، نوع به‌کارگیری غلو در ترجمه راویان از سوی او، شیوه داوری‌های راوی شناسان پیش و هم‌زمان او، نگرش وی به نحوه داوری‌های آنان، از جهت هم‌سوئی و ناهم‌سوئی، تعیین کننده واکنش راوی شناسان پسینی در آشکار سازی مفهوم واژه غلو در نزد ابن غضائری و نظام باوری او بوده است. تأمل در کتاب الضعفاء و واژگان به کار گرفته در تضعیف راویان، نظام باوری ابن غضائری در بازشناسی راویان را معین نمود. وی در جرح راویان متهم به غلو از واژگان و تعابیر همبسته با آن بهره گرفت. تعابیر "کان غالباً کذاباً" درباره احمد بن محمد سیار و یا «کان غالباً کذاباً» در مورد خیر بن علی «غال المذهب» به منخل بن جمیل کوفی و "فی مذهبه غلو" به موسی بن سعدان حنط و در مورد محمد بن حسن

شمون تعبیر «واقف ثم غلا» ترکیبات «ذکره الغلاه وروواه عنه» در مورد عبدالله بن ایوب قمی که روایت غلات از وی روایت کردند و نیز تعبیر «فی مذهبه ارتفاع و کان شهیرا فی الارتفاع و مرتفع القول و یا مرتفع فی مذهبه» (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۱۰۳، ۱۰۲، ۹۱، ۸۷، ۷۶؛ صفری فروشان، ۱۳۷۵: ۶)، و کاربرد ترکیب‌های تخلیط فاسد المذهب^۱، فاسد الدین، فاسد الروایه و الدین (همان، ۱۳۸۰: ۶۷)، افزون بر دانش راوی شناسی او، نشان از نظام باوری وی بازخوانی شد. گرچه داوری رجالی وی با تعبیر "غلو" و "ارتفاع در مذهب" برای تضعیف راویان در روایات منتسب به او نمایی از اجتهاد وی در این فن هم دانسته شد (بهبهانی، بی تا: ۳۸/۱-۳۹). البته گاهی ابن غضائری از شخصی به عنوان خطابی یاد کرد که دلالت داشت این شخص از پیروان محمد بن مقلاص معروف به ابوالخطاب است. مانند جحدر بن مغیره که می نویسد: کان خطابیا فی مذهبه و یا در مورد مفضل بن عمر جعفی می گوید: ضعیف مرتفع القول خطابی و یا تعبیر مغیری در مورد کسی است که پیرو مغیره بن سعید که مبلغ غلو بود (همان: ۶)، البته وی از تعبیر دیگر در تضعیف راویان هم بهره برد^۲.

افزون بر این، فهم چالش‌های اندیشه‌ای - کلامی و تفسیری - از دین و امامت در میان مکاتب کوفه و قم در قرن‌های سوم و چهارم در دریافت باورهای رجالی ابن غضائری، لازم می‌باشد. خوانش‌های متعدد درباره جایگاه امامان به فرابشری و غیر آن و طرفداران هر کدام از این خوانش‌ها به اتهام زنی یکدیگر به مقصره و مفوضه (باورمندان خوانش فرابشری، منکران را به مقصره و منتقدان گروه رقیب را مفوضه "واگذارکنندگان امر الوهی به امامان علیهم‌السلام" می خواندند) نمونه‌ای از تفاوت دیدگاه در بستر تاریخی در روی آوری به ابن غضائری است. روایت بشری از امامان علیهم‌السلام در

۱. تخلیط با مشتقات آن، به معنای در هم آمیختگی روایت صحیح و غیر صحیح است. (مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۴۱۱ق: ۳۰۴/۲)

۲. کاربرد اصطلاح فاسد المذهب در فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی، به غالبان و کذابان، اطلاق می‌گردد. (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸۲)

۳. متهافت (ابن غضائری، ۱۳۸۰: صص ۹۵-۸۲)، مجهول و مضطرب (همان: ۱۰۹)، متروک الحدیث (همان: ۷۸)، کذاب (همان: ۱۰۰) و استفاده از ترکیبات «ثقه» و «ثقه ثقه» برای تعدیل راویان است.

بصیرت قمی‌ها و ابن غضائری بستری برای اتهام زنی برای روایت فرابشری از ائمه به غالیان که گذر از رأی و اجتهاد آنان تجاوز از حدود و ارتفاع در مذهب فرض شده و در نهایت به غالی گری خوانش گشتند.^۱

به نظر می‌رسد برای دریافت معنایی غلو در اندیشه ابن غضائری نیازمند بازخوانش اوضاع و بافتار زمانه و مؤلفه‌های زیسته ابن غضائری و رویکرد او در مواجهه با آن است. در این رهیافت می‌توان گمانه‌های نزدیک به واقعی را درباره غلو و پربسامدی آن در اثر وی پی جویی نمود.

۴- آثار ابن غضائری

راوی شناسان هم‌زمان ابن غضائری (قرن ۵ و ۴ هجری)، از هویت دانشی وی در راوی شناسی با احترام یاد نمودند و از نظرات رجالی و تاریخی وی بهره مند شدند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۹، ۳۲۵)، پاره‌ای از دانشوران، همانند صاحب فهرست اصول و فهرست مصنفات امامیه از آثار او یاد نمودند که به دلیل مرگ ناگهانی او، توسط وارثانش از بین رفته است^۲ (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲). اما دیدگاه دانشیان رجالی در زمانی نسبت به آثار او

۱. والمراد انه كان غالیا (اعلم) ان الظاهر ان كثيرا من القدماء سيما القيمين منهم (والغضائری) كانوا يعتقدون للائمة عليهم السلام منزلة خاصة من الرفعة والجلالة ومرتبة معينة من العصمة والكمال بحسب اجتهادهم ورأيهم وما كانوا يجوزون التعدي عنها وكانوا يعدون التعدي ارتفاعا وغلوا حسب معتقدهم حتى انهم جعلوا مثل نفى السهو عنهم غلوا بل ربما جعلوا مطلق التفويض إليهم أو التفويض الذي اختلف فيه كما سندر أو المبالغة في معجزاتهم ونقل العجائب من خوارق العادات عنهم أو الاغراق في شانهم واجلالهم وتنزيههم عن كثير من النقائص واطهار كثير قدرة لهم وذكر علمهم بمكونات السماء والارض ارتفاعا أو مورثا للتهمة به سيما بجهة ان الغلاة كانوا مختفين في الشيعة مخلوطين بهم مدلسين (وبالجملة) الظاهر ان القدماء كانوا مختلفين في المسائل الاصولية ايضا فربما كان شئ عند بعضهم فاسدا أو كفرا غلوا أو تفويضا أو جبرا أو تشبيها أو غير ذلك وكان عند اخر مما يجب اعتقاده اولا هذا ولا ذاك وربما كان منشأ جرحهم بالامور المذكورة وجدان الرواية الظاهرة فيها منهم كما أشرنا آنفا وادعاه أرباب المذاهب كونه منهم أو روايتهم عنه وربما كان المنشأ روايتهم المناكير عنه الى غير ذلك فعلى هذا ربما يحصل التأمل في جرحهم بامثال الامور المذكورة (بهبهانی، بی تا: ۳۸).

۲. أبو الحسين أحمد بن الحسين بن عبيد الله رحمه الله، فإنه عمل كتابين، أحدهما ذكر فيه المصنفات، والاخر ذكر فيه الأصول، واستوفاهما على مبلغ ما وجده وقدر عليه، غير أن هذين الكتابين لم ينسخهما أحد من أصحابنا واخترم هو رحمه الله، وعمد بعض ورثته إلى اهلاك هذين الكتابين و غيرهما من الكتب على ما حكى بعضهم عنه (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲).

ناهمسان است. برخی نوشته رجالی وی را تاریخی دانسته‌اند که نجاشی در ترجمه احمد بن محمد بن خالد برقی از آن یاد کرد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۵: ۲۲۴/۳-۲۲۵)، گروهی کتاب‌های الضعفاء، المذمومین و الثقات والممدوحین را به او نسبت دادند (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۱۹؛ امین، ۱۴۰۳: ۸۵/۶، ۸۶، علامه حلی، ۱۴۱۷: ۴۰۴، شوشتری، ۱۳۹۰: ۴۰۴/۱) البته موقعیت ویژه ابن غضائری در میان متأخران به دلیل وجود کتاب الضعفاء می‌باشد (انصاری، ۱۳۶۷: ۳۶۲/۴، سبحانی، ۱۴۲۱: ۸۱؛ شوشتری، ۱۳۹۰: ۴۴۰/۱).

۴-۱- بررسی کتاب الضعفاء

نام کتاب الضعفاء در فهرست آثار روای شناسان هم‌زمان ابن غضائری نیامده و ترجمه مستقلی هم از او یافت نشده است.^۱ اما چپستی هویت تاریخی و آرای دانشی او در نوشتار این رجال شناسان با گونه‌های متفاوتی قابل دریافت است. شیخ طوسی از روای شناسان هم‌زمان ابن غضائری، دیدگاه خود را درباره ابن غضائری و راویان از جهت توثیق و تضعیف، در کتاب رجالی و فهرست بیان نکرد. پاره‌ای از پژوهشیان این کنش وی را ناشی از نوع نگرش او به فرهنگ حدیثی شیعه دانستند. با این توضیح که شیخ با توجه به موقعیت مرجعیت، شرایط سیاسی مذهبی بغداد و نیز حل اختلافات و تعارضات میان علمای شیعه شیوه مصلحتی در پیش گرفت و در کتاب‌های رجالی خود به عمد از تضعیف بسیاری از راویان و مؤلفان و آثارشان خودداری نمود، و بسیاری از اطلاعات رجال خود را منعکس نکرده است و سعی کرد در دایره جرح و تعدیل راویان قدم ننهد (معارف، ۱۳۷۶: ۵۴)، اما نجاشی رویه دیگری در پیش گرفت و در داوری‌های روای شناسی خود^۲ در پاره‌ای موارد گفتارش هماهنگ با محتویات کتاب

۱. برخی از پژوهشیان امروزی در باره دلیل یاد نکردن کتاب ابن غضائری از جانب شیخ طوسی را ناشی از زیست بوم و شرایط اجتماعی و سیاسی بغداد که سبب ساز پرهیز نمودن شیخ از بیان ضعف ضعیفان بوده دانسته‌اند. در این گمانه موقعیت سرسختانه سیاسی با گستره در امور فرهنگی - منازعات علمی و مذهبی بین شیعیان و اهل سنت - امنیت علمی و تحقیقاتی آن عصر را با خطر مواجه کرد. بنابراین شیخ در رویارویی با این پدیده خشن شیوه‌ای در پیش گرفت که بتواند از مذهب شیعه در مقابل اهل سنت دفاع کند و هم به اختلاف مشایخ شیعه پایان دهد (معارف، ۱۳۷۶: ۵۱).

۲. روایت نجاشی نشان می‌دهد که درخوانش برخی از راویان از ابن غضائری بهره برده است: «کان محمد بن عبدالله الحمیری ثقة وجها کاتب صاحب الامر، و سأله مسائل فی ابواب الشریعة قال لنا

الضعفا است و با عبارت‌های متفاوت بهره‌مندی خود از رهیافت ابن غضائری را گزارش می‌دهد (شمشیری و جلالی، ۱۳۸۵: ۵۷). البته در برخی موارد به گونه ناهمسویانه و متفاوت از دیدگاه ابن غضائری به داوری راویان پرداخته است^۱ (پاشایی، ۱۳۹۷: ۳۱۹ به بعد).

روند رویارویی با شخصیت دانشی ابن غضائری با عنایت از نوشتار او با شیوه در زمانی هم‌پی‌گیری شد. نوشتار "الضعفاء" یا "الرجال" تنها اثر به جای مانده از وی در کهن‌ترین نسخه دست‌نویسی از ابن ادریس حلی (د ۵۹۶ق) است (درایتی، ۱۳۹۰: ۹۸۷/۲۱). که در مکتب حله در کتاب‌های "حل الاشکال" احمد بن طاووس (د ۶۷۳ق) مورد بازخوانش قرار گرفت (ابن طاووس، ۱۴۰۸: ۲۵)، پی‌جویی اندیشه‌ها و آرای او با میانجی شاگردان ابن طاووس بسان علامه حلی (د ۷۶۲ق) در کتاب خلاصة الاقول و ابن داوود (د ۷۰۷ق) ادامه یافت (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۹۲/۱، ۲۳۰). ابن داوود ضمن ترجمه احوال استاد خود در کتاب رجالش روشن ساخت که بیشتر نکات کتابش را با اشارت و تحقیقات استاد خود ابن طاووس گرفته است (سیستانی، ۱۴۳۷: ۶۷/۲؛ سبحانی، ۱۴۲۱: ۸۲؛ حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۱۹).

دانشوران پس از علامه حلی و ابن داوود، همگان از آنان روایت نموده‌اند. در این روند تاریخی نسخه انتسابی کتاب "الضعفاء" که ابن طاووس دسترسی داشته، پس از وی از بین نرفته و به‌صورت روایت بینامتنی در اثر رجالی وی و سپس در آثار دو شاگردش بازآفرینی شد و در زمانه بعدی توسط علامه شوشتری (د ۱۰۲۱ق) بازتولید گردید (قهپایی، ۱۳۶۴: ۱۰)، با این توضیح که به‌نظر می‌رسد کتاب حل الاشکال در روند تاریخی به خط مؤلف، در نزد شهید ثانی (۹۶۶ه) وجود داشته و او در اجازه خود از

احمدبن‌الحسین؛ وقعت هذه المسائل التي في اصلها، والتوقعات بين السطور» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ص ۳۵۴، ۱۲۲). این کاربرد بهره‌گیری و اعتراف به آن در نوشتار نجاشی قابل دریافت است «وقال: لابي جعفر الأحوال كتاب افعال لا يفعل، رايته عند احمدبن الحسين بن عبيدالله -رحمه الله- كتاب كبير» (همو: ۱۹۳) رویه بهره‌جستن نجاشی از آثار "مصنفات" و "اصول" بدون یاد کرد کتاب او با تعبیر "قال احمدبن الحسين" و "ذكر احمدبن الحسين" آورده است. (همان: ص ۶۰، ۱۲۱، ۱۲۲)

۱. برای دریافت تطبیقی کاربرد آرای رجالی ابن غضائری در رجال نجاشی و کتاب الضعفاء به مقاله اکبری، ۱۳۹۸: صص ۱۸۳-۲۱۲ نگریسته شود.

شیخ حسین بن عبدالصمد از آن یاد کرد که بعدها در اختیار فرزندش -صاحب معالم- قرار گرفت. صاحب معالم ابومنصور حسن بن زین الدین (د۱۰۱۱ق) کتاب "التحریر الطاووسی" را از آن استخراج نموده و در پی آن نسخه مندرس یاد گشته به دست ملا عبدالله بن حسینی شوشتری (د۱۰۲۱ق) رسید. وی گفتار کتاب "الضعفاء" منسوب به ابن غضائری را از آن جدا نموده و به ترتیب حروف آن را سامان داده و کتابی جداگانه گردآورد (همان). پس از وی شاگردش، عنایت الله قهپایی آن را در مجمع الرجال (د۱۰۲۶ق) به صورت پراکنده و طبق ترتیب کتاب خود جای داد (همان). بنابراین، اقول کتاب ضعفاء را می توان به صورت پراکنده از سه کتاب، خلاصة الاقول، علامه حلی، رجال ابن داوود و مجمع الرجال قهپایی به دست آورد. در سال ۱۳۵۷ هجری قمری، آیت الله مرعشی نجفی به نسخه ای از کتاب الضعفاء از عبدالله تستری دست یافت و آن را استثنا نمود.

داوری های متفاوت درباره نسبت کتاب به ابن غضائری در میان پسینیان با دلیل های گونه گونی پدیدار شد. برخی یاد نشدن نوشتار الضعفاء در کتاب های پیشینی (شیخ طوسی و نجاشی) را نشانه ای از بی اصالتی آن دانسته اند^۱ (خویی، ۱۴۱۳: ۹۵/۱؛ ۱۰۲/۱) و پاره ای این نوشته را از روایت های پیشینیان از وی به انضمام گفته های نادرست و جعلی پسینیان در انتساب به او برشمردند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۵: ۲۸۵/۴). در این میان بخشی به منش اخلاقی و وثاقت روایی او تردید نموده و وی را ناشناخته و مجهول دانسته اند (سبط شهید ثانی، ۱۴۱۹: ۸۷/۱-۸۸)، شماری هم با پذیرش نسبت نوشتار این کتاب به ابن غضائری، روش وی را در سنجش روایان، بی اعتبار توصیف نمودند (استرآبادی، ۱۴۲۶: ۴۹۵/۱؛ امین، ۱۴۰۳: ۵۶۵/۲). گروهی از راوی شناسان پسینی، افزون بر اصالت کتاب به او، به شیوه داوری رجالی و روشمند بودن وی اشاره کردند (شوشتری، ۱۴۱۰: ۱۰/ص ۵۵، ۶۷)، و وی را از ناقدان رجالی و از پژوهندگان اخبار و دارنده اطلاعات وسیع در علم رجال برشمردند (شوشتری، ۱۳۹۰: ۹۶).

۱. خویی با مقایسه روایت نجاشی و کتاب الضعفاء و اختلاف میان آنها، در انتساب آن تردید نمود. (خویی، ۱۴۱۳ق: ۹۶/۱).

۲-۴- کتاب الضعفاء در رهیافت دانشوران

باتوجه به اینکه پیشینیان هم‌زمان ابن غضائری ترجمه ویژه از او یاد نکردند و در ادامه پسینیان هم بیش از دو قرن درباره وی و اثر رجالی او سکوت کردند، زمینه برای رایزنی‌های متفاوت درباره منش اخلاقی، دانشی و نوشتار او فراهم شد. از این جهت دیدگاه‌ها به ابن غضائری را می‌توان به‌طور کلی به دو دیدگاه عمده، ناهمسویان و همسویان تفکیک کرد.

۲-۴-۱- دیدگاه ناهمسویان

مخالفت و ناهمسویی راوی شناسان با ابن غضائری، افزون بر اثر رجالی او (کتاب الضعفاء)، شامل شخصیت وجودی، اخلاقی، دانشی و شیوه روی آوری وی در جرح و تضعیف خوانی راویان هم می‌شود. گروهی به منش دانشی و باوری ابن غضائری تردید کردند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۴۵۵/۸). برخی شخصیت احمد بن حسین را مجهول دانستند^۱ (سبط شهید ثانی، ۱۴۱۹: ۸۷/۱-۸۸)، و در ادامه کسانی همانند، محمدتقی مجلسی افزون بر ناشناختگی ابن غضائری، تردید در عدالت و وثاقت او را مطرح کردند (خواجه‌وی، ۱۳۷۲: ۲۷۶) شماری نسبت کتاب به ابن غضائری را پذیرفته اما روش و سنجه او را به چالش کشانده و وی را "جراح" خواندند (استرآبادی، ۱۴۲۲: ۳۲۹-۳۳۲)، و در پی آن او را متهم ساختند که با اموری که سبب جرح نمی‌گردد یا در آنها اختلاف نظر وجود دارد، در جرح راویان شتاب ورزیده و برگستره جرح و تضعیف‌های او تاخته‌اند، تا جایی که گفته‌اند؛ هیچ کس از طعن او در امان نمانده و ضمن طعن خواندن، در تضعیف‌های وی تشکیک نمودند (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۰، ۲۱، انصاری، ۱۳۶۷: ۵۷/۱، میرداماد، بی تا: ۵۹؛ استرآبادی، ۱۴۲۶: ۴۹۱/۱)، در این جهت محمدباقر مجلسی و پدرش (۱۱۱۱ق) پذیرش دیدگاه ابن غضائری را بستری برای نفی و انکار گستره روایت و فتاوی مشهور شیعه خواندند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱/۱)، در نگاه برخی، چنین خوانش اخباریان از روش ابن

۱. سید محمد موسوی عاملی شناخته شده به "صاحب مدارک" از دانشوران عصر صفوی (درگذشت ۱۰۳۰ق)، افزون بر نادرست دانستن کتاب الضعفاء به حسین عبیدالله غضائری آن را به احمد نسبت داده که شخصی مجهول است و نگرش شهید ثانی را در این باره به چالش کشانده (سبط شهید ثانی، ۱۴۱۹: ۸۶/۱، ۸۶، ۹۶، ۱۵۳).

غضائری، به وحشت آنان از سرنوشت روایت‌ها پنداشته شد (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۰). در ادامه، برخی عدم روی آوری به سخنان ابن غضائری را به دلیل روش اجتهادی او دانسته‌اند هرچند شکوه دانشی او را پذیرا بودند (میر داماد، بی تا: ۵۹؛ سبحانی، ۱۴۲۱: ۸۹-۹۳).

گروهی با بزرگداشت جایگاه دانشی ابن غضائری، شکوه و شأن وی را فراتر از آن دانسته‌اند که به نگارش چنین نوشتاری دست زند. اینان نسبت دادن این نوشته را به وی، ستم بزرگ در حق وی پنداشته و نوشتار کتاب را به بدخواهان و دشمنان شیعه نسبت دادند.^۱ آنان در این پنداره چنان پافشاری کردند تا جایی که تألیف این کتاب را به قمی‌ها (اشاعره قم) که شیخ مفید از آنها به عنوان مقصرین یاد می‌کند، نسبت دادند تا بدین ترتیب بسیاری از روایت‌گران را به وسیله او متهم به غلو کنند (شیخ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۴-۲۸۹/۱۰ و ۹۰/۱۰؛ خوبی، ۱۴۱۳: ۱۰۲/۱). اینان در ادامه می‌افزایند که میان نجاشی و ابن غضائری پیوند دوستی بود، اگر این کتاب از نوشتار ابن غضائری باشد، نجاشی از آن آگاهی می‌یافت. نجاشی در بیست و اندی مورد از ابن غضائری روایت می‌کند که بیشتر از واژگان "قال" و "قاله احمد بن الحسین" بهره جسته که نمایشگر روایت شفاهی و شنیداری از ابن غضائری است گرچه در پاره‌ای از موارد تعبیر "ذکر احمد بن الحسین" را به کار گرفت که به نظر می‌رسد به نوشتار وی رجوع داشته است^۲ (خوبی، ۱۴۱۳: ۱۰۲/۱، حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۳). به پندار برخی ناهمسویان، طریق دستیابی به نوشتار الضعفا، وجاده‌ای بوده و نسخه کتاب با طریق مقبول از جانب علامه حلی روایت نشده است (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۱)، این گمانه درباره یاد کرد ابن طاووس

۱. در باور برخی شیخ آقابزرگ طهرانی کتاب الضعفاء را به دشمنان شیعه نسبت داده. البته این ادعا در نسخه خطی الذریعة وجود ندارد. احتمال دارد انتساب این دیدگاه به شیخ آقا بزرگ طهرانی نتیجه خلطی در نسخه چاپی اثر میان اقوال مؤلف و توضیحات مصحح باشد (اکبری، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

۲. عمده کاربست واژگانی نجاشی و شیخ طوسی در روایتگری از حسین بن عبیدالله که نمایشگر چگونگی دریافت روایت آنان است عبارتند: "اخبرنا" (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۶، ۱۶۶، ۲۳۹، ۲۰۶) "قال" (همان: ۳۱، ۲۶) "رواه عنه" (همان: ۸۰)، "حکی ذلک" (همان: ۲۰۴) و "قرأت علی الحسین بن عبیدالله" (همان: ۱۱۸) اما تعابیر واژگانی برای فرزندش "قال" (همان: ۱۱، ۱۴۲)، "رأیته عند أحمد بن الحسین بن عبیدالله" (همو: ۳۲۵) "ذکر أحمد بن الحسین" (همان: ۱۴۱، ۴۵۹) و "قرأته أنا وأحمد بن الحسین رحمه الله علی أبيه" (همان: ۸۳).

از کتاب الضعفاء در کتاب "حل الاشکال" هم وجود دارد که سید این کتاب را از روایت مؤلف آن دریافت نکرده بلکه به طور وجاده‌ای دریافت داشته است.

۴-۲-۲- دیدگاه همسویان

در برابر تئوری مخالفان که با نظرهای متفاوت همراه بود آراء موافقان^۱ کتاب الضعفاء به ابن غضائری نیز ناهمسان می‌باشد. به باور همسویان، روش ابن غضائری در راوی‌شناسی با الگوی علمی دانشوران پیشین و هم‌زمان خود همپوشانی دارد (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۰)، در این دیدگاه، رهیافت نقادانه وی در ارزیابی احوال رجال حدیث (شوشتری، ۱۳۹۰: ۴۴۳/۱)، روشمندی وی در نقد رجال، کتاب‌ها و احادیث (بسان راویان قمی) (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶۸/۱)، دانش رجالی گسترده، دقت (همان، ۱۳۹۰: ۹۶)، و بینش باوری وی باعث تفاوت رهیافت‌های وی در نسبت دیگر رجال شناسان دانسته شد. گروهی وی را از مشایخ بزرگ و از ثقات دانسته‌اند (قمی، بی تا: ۳۷۱/۱)، و همشینی با مشایخ بزرگ حدیثی و رجالی شیعه، نجاشی و شیخ طوسی نشانی از یقین به هویت، منش دانشی و ایمانی او پنداشته شد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۵: ۲۸۹/۴)، در این نگرش، روش نقد احوال راویان از سوی ابن غضائری به پختگی و متانت خوانش شد که از اصول دقیق علمی و ذهن انباشته از دانش پیروی می‌کرد و در ادامه با سخنی کوتاه و

۱. کسانی که در صحت انتساب کتاب الضعفاء به احمد بن عیبدالله غضائری اتفاق دارند و در کتابشان از این کتاب بهره‌مند شدند عبارتند از: شهید اول (۷۸۶ق) "ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ۴۲۰/۱؛ محقق اردبیلی (۹۹۳ق) "مجمع الفائدة والبرهان فی شرح الارشاد الاذهان، ۳۱۲/۴ و ۴۵۵/۸؛ صاحب المعالم (۱۰۱۱ق) "منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح والاحسان، ۴۳۷/۱؛ شیخ عبدالنبی الجزائری (۲۱د)، "حاوی الاقول (۶)؛ میرزا محمد استرآبادی (د ۱۰۲۸ق) "منهج المقال، ۴۰۹؛ شیخ بهایی (د ۱۰۳۰ق) "الحبل المتین، ۱۸۳؛ محقق شیخ محمد حفیدالثانی (د ۱۰۳۰)، استقصاء الاعتبار، ۸۸/۱؛ محقق داماد (د ۱۰۴۱ه) "الرواشح السمایه/۱۱۱؛ مجلسی اول (د ۱۰۷۱ق)، "نقدالرجال، ۱۷۵/۱؛ محقق سبزواری (د ۱۰۹۰ق) "ذخیره المعاد، ۳۹/۱؛ علامه مجلسی (د ۱۱۱۱ق) "بحارالانوار الجامعه لدرراخبارالائمة الاطهار، ۴۱/۱؛ شیخ سلیمان حوزی (د ۱۱۲۱ق) "معراج الکمال، صص ۶۶-۶۷؛ محمد اردبیلی (ت ۱۰۵۸ق) "جامع الرواه ۴۸/۱؛ محقق بهبهانی (د ۱۲۰۶ه) "تعلیقه علی بنهج المقال، ۳۵ و حاشیه مجمع الفائدة ۷۰۱-۵۹۷؛ سید بحر العلوم (د ۱۲۱۲ق) "رجال سید بحر العلوم، ۱۵۳/۴؛ محدث نوری، (د ۱۳۲۰ق) "مستدرک الوسائل، ۱۷/۱-۱۶۵؛ عبدالله مامقانی (د ۱۳۵۱ق) "تفیح المقال، ۵۷/۱۱".

شیوه‌های روشمند به داوری راویان و رجال احادیث پرداخت. نقد او از ابن بابویه با تعبیر «وغلط ابو جعفر فی هذا القول» با بیان اینکه کتاب‌های زیدین را از محمد بن ابی عمیر شنیده و دیده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۰؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۷۵، ۱۷۴؛ حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۸۰-۸۱)، تفاوت دیدگاه او را در داوری‌های راویان در نسبت به رجال شناسان همانند شیخ طوسی نشان می‌دهد که نشانه چیرگی و زبردستی دانش رجالی او است. چنین منش متفاوت نقادانه رجالی با دیگر راوی شناسان هم‌زمانی او در ترجمه افراد دیگر بسان محمد بن ارومه^۱ ایده دانشی وی را بیشتر آشکار می‌سازد.

دانش و شیوه داوری رجالی ابن غضائری از سوی دانشوران رجالی پسینی بسان علامه حلی^۲ پذیرفته شد و آرای راوی شناسی او را در تضعیف افراد، بر توثیق دیگران برگزید (حلی، ۱۴۱۱: ۳۵، ۶۱، ۹۶)، و گستره اعتماد به وی را در شرایط نیافتن شاهد هم گستراند (همان: ۲۰۷، ۲۱۰؛ جلالی، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۸). چنین رویه همسویی در ابن داود هم دیده می‌شود.^۳ نگره همسوگرانه دانشوران حله با ابن غضائری این گمانه را برای پاره‌ای از پژوهشیان پسینی ایجاد کرد که روی آوری مکتب حله را به ابن غضائری خوانش کنند (بهبهانی، ۱۴۲۲: ۳۳۰/۱؛ مامقانی، ۱۴۳۱: ۲۲۲/۴). این رویه در آثار رجالی دانشوران جبل‌العامل (شهید اول، ۱۴۱۴: ۷۱/۱) شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸۹۳/۲) و دانشوران قرون ۱۰-۱۱ هم وجود دارد (عاملی، ۱۴۲۶: ۲۱۲؛ بهایی، ۱۴۲۴: ۴۷، ۴۸؛ قهپایی، ۱۳۶۴: ۱۰۸/۱، تفرشی، ۱۳۷۷: ۳۹/۱، ۵۵، ۶۴، ۱۱۹).

۱. در کتاب رجال شیخ طوسی (۱۴۱۵: ۴۴۸، شمارگان ۶۳۶۲)، تضعیف واز جانب ابن بابویه به غلو متهم است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۲۰، شماره ۶۲۰؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۹).

۲. علامه حلی در قرن هشتم (۶۴۸-۷۲۶ه) سه قرن بعد از ابن غضائری زیست داشته و سنجه وی از ابن غضائری گمانه‌هایی را ایجاد کرد. نخست آنکه وی به منابعی از کتاب‌های ابن غضائری دسترسی داشته که در این صورت با نظر نجاشی و شیخ صدوق ناهمساز است یا اینکه گفته شود اجتهاد علامه حلی براساس روایت‌هایی است که توسط پیشینیان بیان شده است، در این صورت اجتهاد وی باید براساس ادله باشد؛ زیرا وجود کتاب الضعفاء از جانب وی اثبات نشده است (جواد قیومی، ۱۴۱۷: مقدمه کتاب خلاصه الاقوال علامه حلی، ۲۵).

۳. ابن داود در ترجمه ۱۸۷ مورد از ابن غضائری گزارش کرده است، اما روی آوری وی بیشتر با سویه توثیق است (ابن داود، ۱۴۰۵: ۲۹۴، ۵۹، ۲۹۸).

۵- روشمندی دانشی ابن غضائری در بازخوانش احوال راویان

مهارت ابن غضائری در شناسایی نوشته‌ها و نگاشته‌های راویان حدیثی و داوری درباره نشان از چیره‌گی وی در دانش رجال است. وی در بازخوانش احوال و شناسایی آثار راویان گاه به‌طور گسترده^۱ و گاهی با عبارات کوتاه بسنده کرده (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۱۰۴). مجعول خوانی اثر حدیثی از جانب راویان یا کسان دیگر، روشی در شناسایی و پذیرش اثر و نگارنده آن در نوشتار ابن غضائری است. کتاب سلیم بن قیس نمونه‌ای از این سنخ بازخوانی ابن غضائری در پذیرش هویت و اثر وی می‌باشد. او در ترجمه سلیم بن قیس می‌گوید: اصحاب ما پیوسته یادآور شدند که وی ناشناخته بوده و در اخبار از او یاد نکردند و کتاب او را بر ساخته ابان بن عیاش دانسته‌اند.^۲ البته با سویه دیگر اشاره آشکار به بر ساختگی اثر تفسیر منسوب به امام حسن عسگری علیه السلام کرد. بر ساخته خوانی برخی از نام‌ها همانند "ابراهیم بن عبیدالله مدنی" (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۳۸)، "عمار بن زید خیوانی مصری" (همان: ۷۷-۷۸)، و "سلیم بن قیس" (همو: ۶۳)، و بی توجهی و سهل انگار خواندن راویانی که از ضعیفان روایتگری دارند (همان: ۳۸، ۴۸، ۵۲، ۹۳-۹۴، ۹۶، ۱۱۸)، و راویانی که افزون بر ضعیفان به مرسل‌ها هم تکیه دارند (همان: ۱۸، ۳۰، ۴۴، ۹۳)، نمونه‌ای از روش دانشی او در بازخوانش راویان است. برخی از راوی‌شناسان شیوه داوری رجالی ابن غضائری در بازخوانی راویان را ناشی از استقلال، پویش علمی و اجتهاد او دانسته‌اند (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۱؛ سبحانی، ۱۴۲۱: ۸۳، ۸۹)، وی در خوانش ترجمه ابراهیم بن عبیدالله بن علاء مدنی، این نام را بر ساخته عبدالله بن

۱. بازخوانش ترجمه سلیم بن قیس نمونه‌هایی از تفصیل است (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۳۶، ۶۳، ۱۱۸).

۲. سَلِيمُ بْنُ قَيْسٍ، الْهَلَالِيُّ، الْعَامِرِيُّ. رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنِ، وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام. وَيُنَسَبُ إِلَيْهِ هَذَا الْكِتَابُ الْمَشْهُورُ وَكَانَ أَصْحَابُنَا يَقُولُونَ: إِنَّ سَلِيمًا لَا يُعْرَفُ، وَلَا ذَكَرَ فِي خَبَرٍ. وَقَدْ وَجَدْتُ ذِكْرَهُ فِي مَوَاضِعَ مِنْ غَيْرِ جِهَةِ كِتَابِهِ، وَلَا مِنْ رِوَايَةِ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَاشٍ عَنْهُ (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۶۳).

۳. مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ، الْمُفَسِّرُ، الْإِسْتِرْأَبَادِيُّ. رَوَى عَنْهُ أَبُو جَعْفَرِ ابْنِ بَابُوَيْهٍ. صَعِيفٌ، كَذَّابٌ. رَوَى عَنْهُ تَفْسِيرًا زَوِيَهُ عَنْ رَجُلَيْنِ مَجْهُولَيْنِ: أَحَدُهُمَا يُعْرَفُ بِيُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ زِيَادٍ، وَالْآخَرُ: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِيهِمَا، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام. وَالتفسير مؤصَّوعٌ عن سهل الديناجى، عن أبيه بأحدَيْتٍ من هذه المناكِبِ (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۸).

محمد بلوی دانسته که با واسطه واژگان کذاب و جعلال شناخته می‌شود (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۸۰، ۳۷)، وی در بازخوانی احوال راویان باورهای مذهبی آنان بسان ابومحمد حسن بن اسد طفاوی بصری و دیگران با گفته "فاسد المذهب" تضعیف کرد (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۵۲، ۴۲، ۵۴، ۵۸، ۷۱)، بیان باور راویان با تکیه بر اسناد نقلی و نگره راوی شناسان (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۸)، روایت غالبان از راویان (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۴۷، ۸۱، ۸۷، ۸۹، ۱۲۱)، غالی باوری راویان (همان: ۵۶، ۷۱، ۸۹، ۸۱، ۹۰)، ولعنت نمودن راویان (همو: ۸۳، ۸۸)، بازنمونی از سلوک و شیوه داوری ابن غضائری در بازخوانی راویان است. وی با ارجاع به کتاب‌های راویان و نگاهی نقادانه به روایت‌ها، نظام باوری آنان را بازخوانش کرده و در ادامه هویت وجودی، اخلاقی و آثارشان را داوری نمود (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۳۰)، وی با این روش پویایی در ترجمه ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن اصم مسمعی، کتاب زیارتش را بررسی می‌کند و با پی‌جویی در می‌یابد که مذهب وی پریشان و ساقط است افزون بر آن با دقت در احوال وی، او را جز دروغ زنان بصره خواند (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۷۷، ۷۶).

از شخصیت دانشی و روش ابن غضائری در بازخوانی راویان می‌توان، شیوه دریافت او از طبقه راویان ونحوه روایتگری آنان را بازشناسی کرد. وی در ترجمه سعید بن بُحَیْم، ضمن برشماری وی از زیدیه، او را از طبقه تابعی دانسته که از صحابی روایت نموده است (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۶۴، ۶۹)، در نوبتی با بازشناسی کسانی که از راوی روایت نموده‌اند به‌طور ضمنی طبقه او را بیان می‌کند. همانند روایت ابن بابویه از تَمِیْمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ، الْقَرَشِيُّ به‌صورت تلویحی اشاره می‌کند که او در طبقه مشایخ صدوق جای دارد (همو، ۴۵)، و نیز به راویانی که روایت‌گر ائمه علیهم‌السلام هستند به آن تصریح می‌کند (همان: ۸۷، ۹۱، ۹۰، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۴۹، ۸۴).

پاره‌ای از دانشوران راوی‌شناس، آراء رجالی ابن غضائری را بر اساس اجتهاد او پی‌جویی نموده‌اند که با واژگان ویژه بیان شده است (حسینی جلالی: ۲۹)، آنان شیوه ابن غضائری در بازخوانی راویان را متکی بر رأی، اجتهاد و پویایی دانشی، واقع‌گرایی، بازگویی دیدگاه علمی همبسته با استنادات دانسته‌اند. این پویایی در بازخوانی منش راویانی همانند ابو ایوب یعقوب اسحاق بن محمد با تعابیر "فاسد المذهب"، "کذاب فی

روایه"، "وضاع للحديث" و "لا يُلتَفَتُ إلى ما رواه" که تمام سویه‌های ضعف را دارد، قابل دریافت است (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۴۱). چنین تعابیری در مورد دیگران هم وجود دارد (همان: ۴۲، ۸۰، ۹۵).

واژگان کاربردی ابن غضائری در ارزیابی روایان متنوع می‌باشد. در این میان می‌توان به عبارت‌های "لا اعتمد" (همان: ۳۸)، طعن با صورتبندی متفاوت (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۴)، "یَرَوَى عَنِ الضُّعْفَاءِ" (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۳۹، ۴۱، ۴۹، ۵۲)، "ذَكَرْتُهُ فِي الضُّعْفَاءِ" (همو: ۳۹، ۵۶، ۶۲، ۷۶)، "ضَعِيفٌ"^۱ (همان: ۳۹، ۵۶، ۷۲، ۷۳)، "المنکر، الوضع، الارسال، الشاهد، العلة، التخلیط، الغلو و التفرد بالغرائب" (حسینی جلالی: ۳۸۰، ۳۰). اشاره کرد. رویه ابن غضائری در سنجش روایان گاهی در جهت کاستن ضعف آنان است. کار رفت واژگانی "يُجُوزُ أَنْ يُخْرَجَ شَاهِدٌ" (همان: ۸۶، ۹۵، ۳۷، ۵۷، ۶۶)، و "لكن حديثه يجيء في حديث أصحابنا" (همان: ۱۱۱، ۱۱۳)، در این راستا می‌باشد (ایزدی: ۳۹۷، ۲۲۶).

شیوه پردازش ابن غضائری در راوی شناسی تنها با سویه تضعیف روایان نیست بلکه شماری از روایانی که دیگر راوی شناسان تضعیف نموده‌اند، تعدیل کرد (شوشتری، ۱۴۱۱: ۶۷/۱، ۵۵). او سنجش قمی‌ها درباره غلو و بد کیشی (فاسد المذهب بودن) روایان را نقد کرده و رأی ناهمسوی آنان با مکتب بغداد را بیان داشته است. در این میان احمد بن محمد خالد برقی که قمی‌ها در وی طعن وارد ساختند در بازخوانشی او را پاک از داوری قمی‌ها دانسته و طعن را به سوی کسانی برده که برقی از آنان روایت کرده و ناشی از شیوه وی در روایتگری از آنان می‌باشد. در باور ابن غضائری، برقی در روایتگری از شیوه اهل اخبار/مورخان که با تسامح و کم دقتی می‌باشد، پیروی کرده است (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۳۹). چنین شیوه ناهمسویی با مکتب قم در ترجمه أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ حَمَّادِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ مِهْرَانَ (همان: ۴۰-۴۱)، مُحَمَّدُ بْنُ أُورَمَةَ (همو، ۹۳)، هم دیده می‌شود. گاهی فراتر از قمی‌ها با راوی شناسان هم ناهمسو می‌گردد، این داوری در ترجمه "الْحُسَيْنُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبِ بْنِ شَمُّونَ" و "عَمْرُ بْنُ أَبِي الْمُقْدَامِ" می‌توان دید. بر اساس دیدگاه دانشوران پسینی روش ابن غضائری در سنجه

۱. گاهی کاررفت بدون قید و اژه ضعیف برای روایان ذکر شود نشان ضعف همه جانبه (ضعف در مذهب، روایت و نقل روایت می‌باشد) (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۲۳).

راویان همسو با شیوه‌محدثان مکتب قم (همان: ۳۸)، ناشی از مبانی راوی‌شناسی او می‌باشد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۵: ۳۲۸/۴-۳۳۲)، البته این چالش همچنان وجود دارد که مبانی نگرشی ابن‌غضائری چگونه به وجود آمد که این‌گونه همسان با روش مکتب قم است؟

نتیجه‌گیری

۱. کمی منابع شناختی درباره‌ ابن‌غضائری، شناخت درباره‌ وجود، شیوه‌ زیسته، منش اخلاقی و دانشی را دشوار ساخته است.
۲. هم‌زمانی زیسته ابن‌غضائری در دوره‌ اجتهاد و نزدیکی زمانی به دوره‌ معصومان علیهم‌السلام و آشنایی به اوضاع، بافت‌گفتمانی و فضای فرهنگی عصر خود و آگاهی از جریان‌شناسی غلو و دقت نظر دانشی در راوی‌شناسی، نگره و چشم‌انداز علمی را برای او ایجاد نمود که براساس آن افزون بر هویت دانشی او نوع‌سنجه راویان را در وی تقویت نمود. بنابراین رهیافت، نوع‌ارزیابی راوی‌شناسی وی برای رجال‌شناسان هم‌زمان و در زمان او اهمیت زیادی یافت.
۳. بر اساس دیدگاه پسینی، سلوک ابن‌غضائری در نقد و بازخوانش راویان، متکی بر استقلال رأی، اجتهاد، واقع‌گرایی و بیان دیدگاه‌های علمی است. این دیدگاه در شیوه‌داوری وی در ترجمه‌احوال راویان قابل دریافت است.
۴. شیوه‌ ابن‌غضائری در بازشناسی راویان بر پایه ملاک و ترازوی ضعف در دین و مذهب (غیر امامی یا وابستگی به یکی از مذاهب اسلامی)، فقدان ویژگی عدالت و دروغگویی در روایت، سوءحفظ و ضبط در راوی است. ضعیف‌خوانی راوی بدون قید، نشانگر ضعف راوی در همه‌سویه‌های بازگفته می‌باشد.
۵. به نظر می‌رسد برای دریافت نظام‌باوری و کاربست واژگانی غلو در نوشتار انتسابی به ابن‌غضائری، بازخوانش اوضاع و بافتارزمانه و مؤلفه‌های زیسته ابن‌غضائری و رویکرد او در مواجهه با آن است. در این نگره می‌توان گمانه‌های نزدیک به واقع را درباره‌ غلو و پرسامدی آن در اثر وی پی‌جویی نمود.

کتاب‌نامه

۱. آرام، محمد رضا، «جایگاه علمی ابن غضائری نزد علمای رجال از قرن پنجم هجری تاکنون»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سال ۲۰، شماره ۶۴، صص ۲۷-۵۰، ۱۳۹۷.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۰۵.
۳. ایزدی، مهدی، «جستاری در رویکردهای ابن غضائری به توثیق رجال همراه با واکاوی مفهوم غلو در اندیشه رجالی او»، دوفصلنامه علمی پژوهی، سال دهم، شماره نوزدهم، صص ۲۰۷-۲۲۶، ۱۳۹۷.
۴. ابن داود، حسن بن علی، الرجال، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران: ۱۳۴۲.
۵. ابن طاووس، احمد بن موسی، حل الاشکال فی معرفة الرجال، در ضمن التحریر الطاووسی (صاحب معالم)، به کوشش محمد حسن ترحینی، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸.
۶. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق محمد رضا حسینی جلالی، چاپ اول، قم: سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۰.
۷. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، چاپ اول، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳.
۸. استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال، چاپ اول، قم، آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۲۲.
۹. اعلمی، محمد حسین، دائرة المعارف الشیعیة العامة، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳.
۱۰. اکبری، عمید رضا، «انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری: آسیب شناسی تحلیل‌ها»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سال ۲۵، شماره ۶۵، صص ۱۸۳-۲۱۳، ۱۳۹۸.
۱۱. انصاری، حسن، «ابن غضائری»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۲. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، تحقیق سید حسن امین، چاپ اول، بیروت، دائرة المعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳.
۱۳. بهبودی، محمد باقر، معرفة الحدیث، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۱۴. بهبهانی، وحید (محمد باقر بن محمد اکمل)، الفوائد الرجالیة، نسخه الکترونیکی کتابخانه مدرسه فقاقت، بی تا.
۱۵. تفرشی، سید مصطفی، نقد الرجال، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث العربی، ۱۴۱۸.
۱۶. پاشایی، آقابابا و دیگران، «تحلیل و نقد نظریه شوشتری درباره آراء رجالی ابن غضائری»، کتاب قیم، سال هشتم، شماره ۱۹، ۱۳۹۷.
۱۷. حسینی جلالی، محمد رضا، مقدمه بر رجال ابن غضائری، چاپ اول، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۸. جلالی، مهدی، «روش ابن غضائری در نقد رجال»، فصلنامه مطالعات اسلامی، ۱۳۸۳ ه شماره ۶۵ و ۶۶، صص ۵۵-۸۶، ۱۳۸۳.
۱۹. —، «جستاری در باب نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۶۸، صص ۱۱-۴۴، ۱۳۸۴.
۲۰. —، رحیمه شمشیری، بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار، مطالعات اسلامی، شماره ۸۰، ۱۳۸۷.
۲۱. حلی، حسین بن یوسف، خلاصة الاقوال، تصحیح جواد قیومی، چاپ اول، قم، نشر الفقاها، ۱۴۱۷.

۲۲. چیگنل، اندرو، اخلاق باور، ترجمه امیرحسین خدایرست، تهران، ققنوس، ۱۳۹۵.
۲۳. خوبی، ابوالقاسم، معجم الرجال، چاپ پنجم، قم، بی‌نا، ۱۴۱۳.
۲۴. خواجوی، محمد اسماعیل بن حسین بنه محمد رضا مازندرانی، فوائد الرجالیه، تحقیق: سید مهدی جلالی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۵. خاقانی، علی، رجال الخاقانی، تحقیق: محمد صادق البحر العلوم، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴.
۲۶. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۹۰.
۲۷. دیای بیگدلی، محمد تقی، «جریان شناسی غلو و غالیان در رجال نجاشی»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۷ (۱) علوم قرآن، صص ۴۷-۶۶، ۱۳۸۴.
۲۸. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تهران، دارالهدایة، ۲۰۱۰.
۲۹. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، چاپ چهارم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۱.
۳۰. سیستانی، سید محمد رضا، قیسات من علم الرجال، بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۴۳۷.
۳۱. شمشیری، رحیمه، «روش و عملکرد عمومی نجاشی در فهرست»، علوم حدیث، سال ۱۱، شماره ۴۱، ۱۳۸۵.
۳۲. شوشتری، محمد تقی، الاخبار الدخیله، تعلیقات علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰.
۳۳. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰.
۳۴. شهید اول محمد بن مکی، غایة المراد، چاپ اول، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴.
۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف، ۱۴۱۳.
۳۶. شهیدی، روح الله، «ملاک‌های قدام در ارزیابی و نقد حدیث در آئینه فهرست رجالی»، حدیث اندیشه، دوره جدید سال دوم، شماره ۳، ۱۳۶۸.
۳۷. صاحب مدارک، محمدبن علی، مدارک الأحکام، بیروت، آل‌البتیت، ۱۴۱۱.
۳۸. صبوحي، علی و همتی مقدم، احمد رضا، نظریات ماده انگارانه ذهن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۳۹. صدوق، محمدبن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۲.
۴۰. صفری فروشانی، نعمت الله، «جریان شناسی غلو»، علوم حدیث، قم، شماره ۲، ۱۳۷۵.
۴۱. صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، تهران، سوره مهر، ۱۳۷۹.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، تحقیق: جواد قیومی، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
۴۳. —، الرجال، تحقیق: جواد قیومی، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵.
۴۴. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، بیروت، دارالإحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶.
۴۵. علی نژاد، ابو طالب، «آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربردی آن»، حدیث حوزه، شماره ۲، ۱۳۹۰.
۴۶. قمی، عباس، الکنی و الالقاب، بی‌جا، بی‌تا.
۴۷. قهپایی، عنایة الله، معجم الرجال، تحقیق: ضیاءالدین علامه، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۴۸. کلباسی، محمد ابراهیم بن محمد حسن، سماء المقال فی علم الرجال، قم، چاپ محمدعلی روضاتی اصفهانی، ۱۳۳۲.

۴۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمر، به کوشش محمد علی حیدری و دیگران، چاپ اول، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۷.
۵۰. مجلسی، محمد تقی بن مقصود، روضة المتقین، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشترادی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور، ۱۴۰۶.
۵۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۵۲. معارف، مجید، «مقایسه دیدگاه رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۶۲، ۱۳۷۶.
۵۳. میرداماد، محمد حسن بن محمد باقر حسینی، الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه، چاپ سنگی، بی جا، بی تا.
۵۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق و استدرک: الشیخ محی الدین المغانی، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث العربی، ۱۴۱۱.
۵۵. —، مقیاس الهدایة فی علم الدراية، تحقیق: محمد رضا مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث العربی، ۱۴۱۱.
۵۶. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، با مقدمه کاظم مدیر شانه چی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۵۷. موسوی خوانساری، اصفهانی، میرزا محمد باقر، روضات الجنات فی احوال العلما و السادات، چاپ اول، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۰.
۵۸. نجفی، شیخ محمود دریاب، مشیخه النجاشی، الطبقة الاولى، قم، ناشر محمود دریاب، ۱۴۱۳.
۵۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷.
۶۰. هیوم، دیوید، رساله‌ای درباره طبیعت آدمی، ترجمه جلال پیکانی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۵.